

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۴۷)، تابستان ۱۳۹۸
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۳-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

مقاله پژوهشی
صص. ۴۲۶-۴۱۱

تحلیل اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمی)

وکیل حیدری ساربان* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
قاسم جاوید - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸

چکیده

ظرفیت‌سازی اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی مدیریت و مدیریت توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود؛ و به خوداتکایی مردمی، دسترسی به حقوق در بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خودکفایی در تامین مواد غذایی استراتژیک، دسترسی به درآمدها، داری‌ها و تسهیلات اعتباری، دسترسی به دانش و فن‌آوری و وجود یک فضای مشارکتی در تمامی جنبه‌های تلاش انسانی منتهی می‌شود. هدف اصلی این پژوهش تحلیل اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه روستایی شهرستان گرمی است. روش تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان گرمی می‌باشد (N=۳۷۶۵۳)، که از این میان تعداد ۴۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۳ الی ۰/۸۲ بدست آمد. در نهایت، یافته‌های استنباطی پژوهش نشان داد که بین متغیرهای آموزشی و ترویجی، اعتماد به نفس، کیفیت زندگی، انسجام اجتماعی، خدمات اجتماعی، مهارت‌های فنی و مدیریتی، تقویت تعاملات اجتماعی و تقویت تشکلات مردمی با بهبود مدیریت توسعه روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد و این نتیجه حاصل شد که ظرفیت‌سازی اجتماعی به بهبود شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، نهادی و محیطی مناطق روستایی منتهی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ظرفیت‌سازی اجتماعی، توسعه اجتماعی، مدیریت روستایی، مدیریت توسعه روستایی، شهرستان گرمی

نحوه استناد به مقاله:

حیدری ساربان، وکیل، جاوید، قاسم. (۱۳۹۸). تحلیل اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمی) مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۴(۲)، ۴۱۱-۴۲۶. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_667609.html

مقدمه

مدیریت توسعه روستایی در ایران همانند سایر سطوح مدیریتی سرزمینی از گذشته دور تا کنون با چالش‌های ساختاری و مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبرو بوده است. از یک سو، با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی، دیگر ساختار سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی قادر به حل مشکلات کنونی نبوده و از دیگر سو، ساختار مدیریت جدید روستایی که مبتنی بر مشارکت مردم در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالا است، به دلایل متعدد از جمله بومی نشدن و مداخله گسترده دولت و غیره نتوانسته به طور کامل مشکلات روستاهای امروزی را برطرف سازد. بنابراین، فرضیه‌سازی این‌که تنها الگوهای سنتی و بومی برای پیش‌رفت و رویارویی با تغییرات در جوامع روستایی مناسب است، جنبه‌های منفی بی‌شماری را برای مناطق روستایی و تداوم حیات آنها به دنبال خواهد داشت و برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی با تضادها و تعارض‌هایی روبرو می‌شود. در اینجا است که در رفع مشکلات امروزی جوامع روستایی نیاز به فرضیه‌سازی جدید بوده تا در ضمن پاسخ به تغییرات محیط و تحولات ایجاد شده در عرصه فضای-مکانی منطبق با شرایط و واقعیت‌های امروزی برنامه‌ریزی برای مناطق روستایی در راستای بهبود مدیریت توسعه روستایی باشد (Roknaldin Eftekhari & Sojasi Ghidari, 2010: 11).

متون مدیریت توسعه روستایی حاکی از این واقعیت است که مدیریت روستایی فرآیند چند جانبه است که شامل سه رکن دولت، مردم و نهادهای عمومی هستند. در این فرآیند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ی روستایی تدوین و اجرا می‌گردد و تحت نظارت و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد (Behzadnasab, 2009: 35). تاکنون تعاریف چندی از توسعه روستایی به عمل آمده است به باور Taleb (1998)، مدیریت روستایی علم "تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی، اقتصادی و غیره در جامعه روستایی" است. با عنایت به تعریف مدیریت به صورت عام، می‌توان مدیریت روستایی را برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده دانست (Darbane, 2008: 16). در یک تعریف علمی مدیریت روستایی عبارت است از: فراگرد به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده صورت می‌گیرد. منظور از مدیریت روستایی، علم و هنر به کارگیری منابع و نیروها از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل آنها برای دستیابی به اهداف تعیین شده در مناطق روستایی پیرامون توسعه پایدار روستایی است (Heidari Sarban, 2016: 126). با توجه به تعاریف مدیریت به صورت عام مدیریت روستایی را می‌توان در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادها دانست. این سازمان‌ها و نهادها وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی می‌باشند (Heidari Sarban & Majnoui, 2016: 28). و بر اساس اصول نوین مدیریت توسعه، یکی از ابعاد مهم دستیابی به توسعه همه جانبه روستایی توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌های روستاییان در زمینه مدیریت توسعه روستایی است؛ زیرا دستیابی به توسعه پایدار و همه جانبه روستایی که مقبول همگان باشد با استفاده مطلوب از توانایی‌ها و ظرفیت‌های روستاییان ممکن و میسر خواهد بود (Aref, 2009: 208). محققان پاسخ به پرسش اساسی علل ناتوانی بسیاری از کشورها در پیش‌برد و حفظ توسعه اقتصادی و اجتماعی را ناکارایی رویکردهای معمول توسعه در ایجاد ظرفیت پایدار نیروی انسانی، نهادها و سازمان‌ها در سطح محلی عنوان کرده‌اند. این ناکارایی رویکردی، همراه با ناتوانی دولت‌ها در شناسایی و اجرای نقش مناسب، مدیریت و سازمان‌دهی سیستم‌ها، اتخاذ و اجرای خط مشی‌ها و سیاست‌های مناسب و پیگیری اهداف سیاست‌های توسعه، به پایداری ملی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در کانون راهبردهای توسعه منجر شد (Briedenhann & wickens, 2004: 77). در واقع ظرفیت را به سادگی توان انجام کارکردها، حل مشکلات، طراحی و دستیابی به اهداف تعریف کرده‌اند (Ranjan, 2012: 257). از این رو ظرفیت مفهومی است با گستره‌ای وسیع‌تر از مفهوم منابع انسانی که نه تنها مقید به کسب مهارت است، بلکه به نحوه‌ی استفاده از آن نیز توجه کامل دارد. در واقع ظرفیت‌سازی به عنوان بخشی از یک فرایند دائمی و پیوسته با محوریت منابع انسانی، وضعیتی فعال و اثرگذار است که ناظر بر توانایی‌های یک نظام، سازمان یا فرد در انجام کار یا تولید است (Honadle & Hannah, 1982: 299). بنا به تعریفی دیگر ظرفیت‌سازی فرایندی است که به افزایش توانایی‌های افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و جوامع با تاکید بر موارد زیر انجام می‌پذیرد:

- اجرای کارکردهای کانونی، حل مشکلات، تعریف و نگهداری مثبت و ضبط اهداف؛ و
- درک و درگیر شدن با نیازهای توسعه در حوزه گسترده و به شیوه‌های پایدار.

استفاده از شیوه‌های مشارکتی و تعاملی و رقابت سالم در مدیریت توسعه روستایی امروزی از اصول اساسی برای دستیابی به هدف‌های توسعه‌ی روستایی است. نکته‌ای که در اینجا تأمل و دقت بیشتری می‌طلبد این است که در فرآیند تعاملی مدیریت توسعه‌ی روستایی باید به فرهنگ رقابت تا جایی که اهمیت دارد که به منازعه یا ستیز منجر نشود و بتوان مدیریت تخصیص منابع را در روستا بهینه و تشویق کرد. یعنی به نوعی، از فرآیند انحصاری ساختن منابع و غیره از طریق حذف رقبا در محیط‌های روستایی جلوگیری شود (Heidari Sareban, 2016: 59). مطالعات Singh (2004)، گویای این واقعیت است که وجود ساختار مناسب اداری و تشکیلاتی، وجود امکانات و تسهیلات آموزشی و میزان آگاهی روستاییان و به بطن کشانده شدن جامعه روستایی از عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بهبود مدیریت توسعه روستایی است. به عقیده Ray (2004)، توانمندسازی روستاییان و آموزش مستمر، نظارت مستمر و برنامه‌ریزی هدفمند از عوامل موثر بر بهبود مدیریت توسعه روستایی است. در واقع ظرفیت‌سازی اجتماعی جدیدترین و مناسب‌ترین راه حل مدیریت روستایی شناخته شده است و به مصداق "ماهی‌گیری و حتی توربافی به جای دادن ماهی به تهیدستان" است. در واقع راهبرد ظرفیت‌سازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و تمامی عوامل برای ایجاد شرایط زندگی بهتر در جوامع روستایی دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط زندگی خود را آن‌گونه که تمایل دارند شکل دهند (Cuthill & Fien, 2005: 66-69). باید توجه نمود که شناخت ظرفیت‌ها با سطح آگاهی و اعتماد به نفس آنان مرتبط است و هر دوی آن‌ها (آگاهی و اعتماد به نفس) منشا و ابزار اعمال قدرت روستاییان در زندگی خود محسوب می‌شوند. از این لحاظ می‌توان اذعان نمود که تمامی فعالیت‌های توسعه‌ای و مهارت محور به نحوی با دانش و آگاهی مرتبط هستند و اگر افراد کم‌توان اجتماعی در روستاها قادر باشند از منابع دانش و اطلاعات کاربردی بهره بیشتری برده و آن را کنترل نمایند، می‌توانند ساختارهای کنونی روابط قدرت (بالا به پایین) به صورت بنیادین دگرگون نمایند؛ و در این صورت دانش کاربردی به دارنده‌ی آن (روستاییان) مشروعیت و اعتبار می‌دهد و به او این اجازه را می‌دهد که محیط پیرامون خود را تفسیر و تحلیل نماید (Taleshi, 2012: 85).

مهم‌ترین تعاریف ظرفیت‌سازی بر این نکته تأکید دارند که داشتن توانایی لازم برای انجام کار خاصی مرتبط با هدف، اولین گام و اساسی‌ترین گام به شمار می‌آید. به همین دلیل نیز ظرفیت‌سازی مقدمه توانمندسازی به شمار می‌آید. پس تعریف زیر را می‌توان به عنوان تعریف ظرفیت‌سازی پذیرفت: ظرفیت‌سازی به ابزاری باز می‌گردد که اجتماع و یا افراد از طریق آن می‌توانند به تحکیم موقعیت خود بپردازند. لذا ظرفیت‌سازی تأکید بر تقویت توانایی‌های موجود است و به مفهوم وارد کردن چیزی از بیرون و درون‌زا به داخل جامعه نیست بلکه به مفهوم برخورداری از دارایی‌ها و تقویت و تحرک بخشی به دارایی‌های موجود (مادی و معنوی) در جامعه است. لذا نمی‌توان تحمیل شده و از بالا به پایین و برون‌زا باشد. ظرفیت‌سازی به مفهوم ایجاد روابط قوی و مجموعه‌های مرحله‌ای است که طی آن اعضای جامعه بتوانند عقاید خود را در زمینه یک سری از اقدامات ارائه و بر اساس آن عمل نمایند. همچنین به مفهوم افزایش قابلیت هدف‌گذاری و اجرای اقدامات خاص در یک طرح است. لذا به مفهوم برخورداری از قدرت مشترک و قوی در واکنش به محدودیت منابع موجود است (Austen Peggy, 2003: 2). بنابراین ظرفیت‌سازی از نظر مفهومی، از آموزش افراد فراتر رفته و به معنای تقویت سازمان‌ها و چارچوب‌هایی است که آن‌ها در آن فعالیت می‌کنند. در نتیجه‌ی مباحث مطرح شده در باب نقش ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه‌ی روستایی می‌توان نتیجه گرفت که ظرفیت‌سازی اجتماعی در روند مدیریت توسعه روستایی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. به طوری که ظرفیت‌سازی اجتماعی ابتدا با یک برنامه‌ی مدون و حساب شده، اقدام به ارزیابی ظرفیت‌های فعلی روستاها می‌نماید. تاکنون مطالعات چندی در خصوص اثرات ظرفیت‌سازی در مدیریت توسعه روستایی صورت گرفته که در ذیل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. در تحقیقی با عنوان "ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به مثابه رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی" Rafieian & et al (2014) نشان دادند که این رویکرد تأثیر قابل توجهی در توانمندسازی افراد و گروه‌ها از طریق مشارکت و درگیر شدن ذی‌نفعان به وسیله پذیرش برنامه‌های مشخص در اجتماعات محلی، ارتقای مهارت و دانش، افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات با استفاده از مباحثه‌ها در اجتماعات محلی و بسیج منابع به منظور رفع نیازهای مربوط به اجتماعات محلی بر جای می‌گذارد. "ظرفیت‌سازی در پروژه‌های عمرانی" عنوان مقاله دیگری است که توسط Williams & et al (2012) انجام یافته است. آنان در این مقاله ضمن ارائه تعاریف گوناگون از ظرفیت و ظرفیت‌سازی اجتماعی و همچنین مشارکت و سطوح مختلف ظرفیت‌سازی اقدام به بررسی نقش ظرفیت‌سازی در اجرا و حفظ طرح‌های حفظ منابع طبیعی پرداخته و نقش ظرفیت‌سازی را از ابعاد گوناگون اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی و رفتاری مورد بررسی قرار دادند. همچنین آن‌ها بیان داشتند که ظرفیت‌سازی در طرح‌های عمرانی در دهه‌های گذشته با تغییر تمرکز خود از

ارائه‌ی زیرساخت‌های فیزیکی در دهه‌ی ۱۹۵۰ به ایجاد نهادها و سازمان‌های محلی روی آورده است. نتایج به دست آمده از مطالعات Farhadi & Samet (2011) با عنوان "مطالعه مدیریت روستایی چین با رویکرد حکمروایی" نشان می‌دهد که در سه مقطع زمانی اولیه مدیریت روستایی در کشور چین بر اصول سنتی حاکم بر جامعه استوار بوده است ولی بعد از وقوع انقلاب دوم در چین، مدیریت روستایی و حکمروایی محلی در کشور چین دست‌آوردهای چشم‌گیری داشته است و از جمله سبب شکوفایی روستاها از نظر اجتماعی- اقتصادی افزایش مشارکت در امور فرهنگی روستاها، افزایش مشارکت مدنی و انتخابات آزاد در روستاها شده است. نتایج تحقیق Bezi & Hedaiati (2010) با عنوان "مطالعه روند تحولات مدیریت روستا در ایران با تاکید بر عملکرد شوراهای" نشان می‌دهد که شوراهای به جز در مواردی که با کمبود یا نبود اعتبارات و امکانات لازم مواجه بوده‌اند، عملکرد مثبتی داشته‌اند. نتایج تحقیق Darvishi (2006) با بررسی مقایسه‌ای مدیریت روستایی نشان می‌دهد که مدیریت روستایی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در جهت توسعه روستاها بوده است. بین مدیریت روستایی در قبل و بعد از انقلاب ارتباط وجود داشته و در تکمیل روند مدیریت روستایی نقش مردم در بعد از انقلاب اسلامی بیشتر شده است هم‌چنین روستاهای برخوردار از امکانات محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از مدیریت مطلوب‌تری برخوردار بوده‌اند. Nematei & Badri (2008) در تحقیقی با عنوان "ارزیابی نقش کارکردی نظام مدیریت نوین روستایی و مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ" دریافتند که عوامل ساختاری، اجتماعی، اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای کوچک دارد.

Katherine & et al (2012) در مقاله تحت عنوان "ظرفیت‌سازی آموزشی برای جوانان روستایی جهت دستیابی به توسعه روستایی" به این نتیجه رسیدند که ساکنان روستایی و به خصوص جوانان روستایی به دلیل نداشتن دانش و آگاهی کامل از امکانات موجود در روستا به منظور دستیابی به توسعه و پیشرفت بی‌خبر هستند و بنابراین جهت ارائه‌ی این آگاهی و دانش می‌توان از طریق ارتقای مهارت‌ها ظرفیت‌های آموزشی جوانان روستایی را ارتقای داد. Michael & Kit (2010) در مقاله خود با عنوان "چالش‌های ظرفیت‌سازی آموزشی و مشارکت در توسعه جوامع کوچک" به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین نیاز در توسعه جوامع محلی دسترسی ارزان به نیازهای آموزشی خود می‌باشد هم‌چنین، نتیجه‌گیری می‌کنند که ارتقای ظرفیت‌های آموزشی متناسب با نیازهای جامعه محلی یک نیاز اساسی برای کشورهای جهان سوم به شمار می‌آید که بایستی در برنامه‌های عمرانی مورد توجه قرار گیرد. باور Romanow & Bruce (2008) بین انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی با بهبود مدیریت توسعه روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. Averil (2009) در مطالعات خود پیرامون تبیین رابطه بین ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهبود مدیریت روستایی دریافتند که با تقویت ظرفیت‌سازی اجتماعی میزان اعتماد به نفس، کیفیت زندگی و مهارت‌های فنی و مهارتی افراد روستایی بالا می‌رود. McDevitt & Chaffee (2007) در یافته‌های میدانی خود به این نتیجه رسیدند هر چه قدر شاخص‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی در مناطق روستایی بالا رود به همان میزان شاخص‌های مدیریت توسعه روستایی بهبود می‌یابد. Raymond & Cleary (2014) در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که آموزش و ترویج، تقویت تعاملات اجتماعی و انسجام اجتماعی به بهبود مدیریت توسعه روستایی منجر می‌شود. Prato & Lango (2013) مطالعات موید این واقعیت است که بین ارتقای شاخص‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی با ارتقای مولفه‌های مدیریت توسعه روستایی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

جدول ۱. نتایج مطالعات انجام شده

ماخذ	نتایج مطالعه
Rafieian & et al (2014)	توانمندسازی افراد و گروه‌ها از طریق مشارکت و درگیر شدن ذی‌نفعان به وسیله پذیرش برنامه‌های مشخص در اجتماعات محلی، ارتقای مهارت و دانش، افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات با استفاده از مباحثه‌ها در اجتماعات محلی و بسیج منابع به منظور رفع نیازهای مربوط به اجتماعات محلی
Williams & et al (2012)	در دهه ۱۹۷۰ ظرفیت‌سازی بیشتر رویکرد آموزشی، بهداشت و جمعیت داشته است و تا اینکه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی ظرفیت‌سازی رویکرد خود را از سطح خرد به سطح کلان و سیستمی تغییر داده است.
Heidari sarban & Majnoui (2014)	در بین روستاهای شهرستان بناب از نظر سطح برخورداری از ظرفیت‌های آموزشی اختلاف زیادی وجود دارد که به تجدید نظر در ارائه منابع آموزشی به روستائیان است.
Bezi & Hedaiati (2010)	شوراهای به جز در مواردی که با کمبود یا نبود اعتبارات و امکانات لازم مواجه بوده‌اند، عملکرد مثبتی داشته‌اند.
Darvishi (2009)	عوامل ساختاری، اجتماعی، اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری‌ها در روستاهای کوچک دارد. علاوه بر آنکه دهیاری در روستاهای پر جمعیت نیز به دلیل دریافت سرانه اعتباری بیشتر موفق‌تر از روستاهای کوچک عمل کرده است.

Katherine & et al (2012)	ساکنان روستایی و به خصوص جوانان روستایی به دلیل نداشتن دانش و آگاهی کامل از امکانات موجود در روستا به منظور دستیابی به توسعه و پیشرفت بی‌خبر هستند و بنابراین جهت ارائه‌ی این آگاهی و دانش می‌توان از طریق ارتقای مهارت‌ها ظرفیت‌های آموزشی جوانان روستایی را ارتقا داد.
Michael and Kit (2010)	مهم‌ترین نیاز در توسعه جوامع محلی دسترسی ارزان به نیازهای آموزشی خود می‌باشد همچنین آنان بیان داشتند که در این زمینه ضمن اینکه بایستی به مدل‌های توسعه مشارکتی با رویکرد محلی توجه شود از تجارب بین‌المللی غافل نشد؛ و در نهایت آنان به اثرات مهم ظرفیت‌سازی آموزشی بر میزان مشارکت اشاره نمود و نتیجه‌گیری می‌کنند که ارتقای ظرفیت‌های آموزشی متناسب با نیازهای جامعه‌ی محلی یک نیاز اساسی برای کشورهای جهان سوم به شمار می‌آید که بایستی در برنامه‌های عمرانی مورد توجه قرار گیرد.
Romanow & Bruce (2008)	بین انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی با بهبود مدیریت توسعه روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
Averil (2009)	با تقویت ظرفیت‌سازی اجتماعی میزان اعتماد به نفس، کیفیت زندگی و مهارت‌های فنی و مهارتی افراد روستایی بالا می‌رود.
McDevitt & Chaffee (2007)	هر چه قدر شاخص‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی در مناطق روستایی بالا رود به همان میزان شاخص‌های مدیریت توسعه روستایی بهبود می‌یابد.
Raymond & Cleary (2014)	آموزش و ترویج، تقویت تعاملات اجتماعی و انسجام اجتماعی به بهبود مدیریت توسعه روستایی منجر می‌شود.
Prato & Lango (2013)	بین ارتقای شاخص‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی با ارتقای مولفه‌های مدیریت توسعه روستایی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

همان طوری که پیش‌تر گفته شد هدف از مدیریت توسعه‌ی روستایی، تنظیم و اجرای برنامه‌هایی است که شرایط زندگی ساکنان مناطق روستایی را بهبود بخشد؛ به طوری که با اکتشاف، شناسایی، سازماندهی و بسیج منابع مذکور، حداکثر استفاده از قابلیت‌های موجود در روستا به عمل آید (Mirzaei & et al., 2013:65). و نیز، در فرآیند توسعه‌ی روستایی پرداختن به جایگاه و نقش مدیریت در توسعه‌ی روستایی الزامی است (Seidai & et al., 2012: 81). و بررسی اسناد نشان می‌دهد که ایران با داشتن بیش از ۶۵۰۰ آبادی که نزدیک به ۸۵ درصد منابع و ذخایر زیستی و طبیعی کشور را در خود جای داده اند، در زمره کشورهای است که برای دست یابی به توسعه روستایی و به دنبال آن، توسعه شهری و توسعه ملی نیازمند ایجاد نظام مدیریتی قوی در روستاهاست (Heidari Sarban, 2014: 92) و بنابر این در الگوی جدید برنامه‌ریزی و مدیریت روستا تاکید بر رهیافتی مشارکتی با حرکتی دو سویه است که عاملی موثر در افزایش توان اجتماعات برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم روستایی در جریان توسعه به شمار می‌رود. (Roknaldin Eftekhari & et al., 2010: 9). که ظرفیت‌سازی اجتماعی با ارتقای ظرفیت‌های شناختی روستاییان اعم از دانش و مهارت و نگرش و نیز توسعه معرفتی جوامع روستایی و اثرات آن در توانمندسازی اجتماعی، تقویت تعامل‌های اجتماعی و تسهیم دانش و اطلاعات، اعتمادسازی و حکم‌روایی مطلوب زمینه لازم را در بهبود مدیریت روستایی فراهم سازد.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه‌ی روستایی در روستاهای شهرستان گرمی تحلیل شود. شهرستان گرمی با تعداد ۳۳۴ روستا در شمال شرق استان اردبیل قرار دارد. با بررسی ۱۰ روستا این نتیجه حاصل شد که وضعیت موجود روستاهای شهرستان گرمی در زمینه‌های گوناگون حکایت از مشکلات عدیده دارد که به کار گرفته نشدن نیروهای توانمند روستایی در مسائل مدیریتی روستا، مشارکت ندادن مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مردم روستا، مشخص نبودن شرح وظایف مدیران روستایی در عرصه عمل، عدم تقویت نظام پاسخ‌گویی مدیریت روستایی در برابر مردم محلی، عدم وجود افراد متخصص و تحصیل کرده، عدم جلب اعتماد روستاییان به مجریان توسعه روستایی، عدم پذیرش تغییر و نوآوری، عدم آموزش مداوم و مستمر، عدم توسعه اقتصادی روستا، شدت گرفتن آهنگ مهاجرت روستایی، عدم تقویت اعتماد به نفس و خود اتکایی و عدم وجود امنیت در روستا به وضوح قابل مشاهده و تحلیل می‌باشد. بر این اساس ضرورت تدوین و انتخاب شاخص‌هایی که متناسب با شرایط مکانی و زمانی محدوده مورد مطالعه بوده و بتواند انعکاس‌کننده‌ی شرایط واقعی باشد ضروری است. لذا یکی از مباحثی که با وجود اهمیت بسیار اساسی در روند مدیریت توسعه روستایی و دستیابی به توسعه کمتر مورد توجه واقع شده است، مباحث مربوط به ظرفیت‌سازی اجتماعی موثر بر مدیریت توسعه روستایی می‌باشد. زیرا فرایند ظرفیت‌سازی اجتماعی موجبات مدیریت توسعه روستایی را فراهم می‌کند. لذا با توجه به مسائل و مشکلات پیش‌روی مدیریت توسعه روستایی و همچنین به منظور دستیابی به اهداف توسعه روستایی از طریق ظرفیت‌سازی اجتماعی، در روستاهای مورد مطالعه بایستی به دنبال راهکارهای مناسب و مرتبط با موضوع باشیم. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و همچنین شرایط محدوده‌ی مورد مطالعه پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده است: آیا بین ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهبود مدیریت توسعه روستایی رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت تحقیق و سوال‌های مطرح شده در آن، پژوهش حاضر به لحاظ حیث موضوعی، بنیادی-کاربردی بوده و به لحاظ تحلیل، در چارچوب روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی قرار دارد. در این پژوهش بخشی از مطالعات انجام گرفته به صورت اسنادی بوده است که طی آن انواع کتب و پایان‌نامه مرتبط با ظرفیت‌سازی اجتماعی و مدیریت روستایی در دانشگاه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و همچنین کتب، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها، گزارش‌های لاتین ارائه شده از طریق نهادهای بین‌المللی، آمارنامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، گزارش‌های ادارات و نهادهای دولتی، سایت‌های اینترنتی و... به منظور تدوین مبانی نظری و همچنین انتخاب متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه با طیف لیکریت پنج‌گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد استفاده شده است) استفاده گردید. مضاف بر این، برای سنجش اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی محقق با توجه به سؤال‌های تحقیق اقدام به تهیه و تنظیم پرسش‌نامه مبادرت ورزید. روایی صوری پرسش‌نامه توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. و با استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا، پایایی پرسش‌نامه ۰/۸۱ به دست آمد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه روستاییان بالای ۱۵ سال شهرستان گرمی بوده که بر اساس آمار بهداشت استان ۳۷۶۵۳ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۰ نفر به عنوان تعداد نمونه انتخاب شده ولی برای دستیابی به نتایج واقعی تعداد نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافته و به تناسب جمعیت هر روستا توزیع شده است. انتخاب روستاهای نمونه تحقیق، با در نظر گرفتن تعداد کل روستاها، تعداد جمعیت، دوری و نزدیکی نسبت به شهر، شاخص وضعیت ارتفاعی (کوهستانی، جلگه‌ای، جلگه‌ای - کوهستانی)، و قرارگیری روستا در کنار جاده اصلی و یا دور از جاده اصلی، پتانسیل‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی تعداد روستاهای نمونه تحقیق بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۱۹ روستا تعیین گردیدند. در تبیین رابطه ظرفیت‌سازی اجتماعی با بهبود مدیریت توسعه روستایی، فضای مفهومی تعیین‌کننده به شرحی که در ادامه می‌آید تعریف و از طریق گویه‌های مناسب عملیاتی شده‌اند.

آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری که به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً ماندگار فرد صورت می‌گیرد تا او بتواند توانایی خود را برای انجام دادن کار بهبود بخشد. در این معنا آموزش با مولفه‌های دسترسی به منابع اطلاعاتی و همگانی، دسترسی به اینترنت، آشنایی با کانال‌ها و منابع اطلاعاتی، دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی، آگاهی به ارزش‌های فرهنگ محلی، افزایش سطح آگاهی اجتماعی و افزایش سطح فرهنگ عمومی مورد سنجش قرار گرفته است.

تشکلات اجتماعی فرآیند اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل است. مولفه تشکل اجتماعی با شاخص‌های میزان شرکت در جلسات برگزار شده از طرف تشکل‌ها، مشارکت در برنامه‌های عمرانی مربوط به روستا، میزان تمایل به هم‌فکری و مشارکت جهت رفع مشکلات روستا، میزان دعوت از اهالی روستا جهت شرکت در فعالیت‌های جمعی، میزان مشارکت در حفظ و زیباسازی روستای تعریف و سنجش شده است.

تعاملات اجتماعی؛ تعامل بین دو نفر و بیش‌تر یا بین چند گروه را بیان می‌کند. این تعامل می‌تواند صورت همکاری، تفاهم و دوستی داشته باشد و می‌تواند به صورت تضاد و تنش و کشمکش و گاه بی‌تفاوتی و همزیستی باشد. به بیان دیگر، تعامل اجتماعی ارتباط و وابستگی متقابل انسان‌ها و جهت‌گیری رفتاری آن‌هاست که می‌تواند در جهت دوستی یا دشمنی باشد. در این تحقیق مولفه تعاملات اجتماعی با شاخص‌های ارتباط با دیگر اهالی روستا، میزان ارتباط با شورا و دهیاری، ارتباط با نهادهای دولتی، میزان حضور در مسجد، میزان ارتباط با بسیج، میزان تعامل و یا عضویت در تعاونی و ارتباط با مراکز حمایتی تعریف و سنجش شده است. کیفیت زندگی به معنی درک ذهنی هر فرد از حس خوب بودن است که با مولفه‌های دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، عضویت در تشکل‌های مدنی، بهزیستی فردی، امنیت، پتانسیل طبیعی، میزان درآمد، میزان مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، رضایت شغلی، وضعیت مسکن، مکان‌گزینی روستا، گذران اوقات و فراغت و الگوی مصرف خانوار مورد سنجش قرار گرفته است. اعتماد به میزان فرد در مورد این که دیگران چقدر به حرف‌های خود عمل می‌کنند و یا انتظار می‌رود که عمل کنند و بالاخره چقدر حرف‌های آنان به چه میزان موثق است، اطلاق می‌شود. مولفه اعتماد با شاخص‌های پذیرش اجتماعی، عزت نفس، توانایی کارگروهي، بیان ایده‌ها و نظرات در جمع، نگرانی از قبول نشدن نظرات در جمع، توانایی پذیرش مسؤلیت‌های جدید، داشتن قاطعیت در کارها، داشتن اطمینان در تصمیم‌گیری‌های فردی، تفاهم جمعی، داشتن نگرش مثبت و صداقت تعریف و سنجش شده است.

انسجام اجتماعی نوعی ترتیبات اجتماعی است که تضمین می‌کند جوامع روستایی در سطوح مختلف، به اشتراک ذهنی (مدل‌های ذهنی مشترک)، برسند، قابلیت همکاری با یکدیگر داشته باشند و به قوانین موجود احترام بگذارند. مولفه انسجام اجتماعی با شاخص‌های رضایت از همکاری اهالی روستا، میزان درگیری در روستا، اختلاف درآمد با سایر اهالی، میزان صمیمیت در بین اهالی، میزان مراجعه به ریش سفیدان روستا به هنگام بروز مشکل، اختلاف عقاید در بین اهالی، تمایل به حضور در مکان‌های عمومی و میزان اعتماد به دیگر اهالی روستا تعریف و سنجش شده است. در این پژوهش اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار ARC GIS اقدام به ترسیم نقشه‌های محدوده مورد مطالعه و از نظر سطوح ظرفیت‌سازی اجتماعی نموده است. بدین لحاظ به نظر می‌رسد که متغیرهای ظرفیت‌سازی اجتماعی که عبارتند از: زیرساخت‌های آموزشی و ترویجی، تقویت اعتماد به نفس، ارتقای کیفیت زندگی، تقویت انسجام اجتماعی، بهبود خدمات اجتماعی، تقویت مهارت‌های فنی و مدیریتی، تقویت تعاملات اجتماعی، تقویت تشکلات مردمی می‌تواند در صورت تحقق تا حد قابل توجهی کاستی‌ها را در زمینه‌ی مذکور جبران و اهداف برنامه‌های توسعه را سهل الوصول نماید.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

همان‌طوری که شکل (۱) نشان می‌دهد شهرستان گرمی در شمال غرب کشور جمهوری اسلامی ایران، در شمال شرق استان اردبیل بین ۳۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. شهرستان گرمی از شمال به شهرستان‌های بیله سوار و پارس‌آباد مغان، از جنوب به شهرستان مشکین شهر و جمهوری آذربایجان، از شرق به جمهوری آذربایجان و از غرب به شهرستان‌های کلیبر و اهر در استان آذربایجان شرقی محدود است.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

جدول ۱. تعداد نمونه‌های انتخابی به تفکیک روستا

نمونه	جمعیت	روستا	نمونه	جمعیت	روستا
۲۴	۵۱۹	قاسم کندی	۲۰	۷۰۴	دیزج
۲۳	۲۰۱	شهماریگلو	۱۵	۸۷۵	بنه
۱۷	۱۸۸	ارزنق	۲۵	۵۹۷	تکانلو
۲۳	۲۲۲	زهرا	۱۸	۳۴۹	گیلارلو
۲۹	۷۲۳	کلاسنورا	۱۷	۳۹۷	اون بییریگلو
۱۸	۲۰۴	اوج اغاج	۲۷	۲۷۵	تولون
۲۲	۲۱۲	افسوران	۲۴	۲۲۴	مجیدلو
۲۴	۴۴۷	پرهمر	۱۶	۴۰۷	نصراله بیگلو
۲۰	۲۰۸	مه‌ره	۱۸	۱۴۳	قلعه پرزند
			۲۰	۲۱۹	توسانلو

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود حجم نمونه پژوهش به تفکیک جنسیت که مردان با تعداد ۲۶۰ نفر و زنان ۱۴۰ نفر از نمونه انتخابی بودند. هم چنین، توزیع سنی حجم نمونه در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد گروه سنی مربوط به ۲۶ الی ۳۰ سال با فراوانی ۱۲۲ نفر بیشترین گروه سنی می‌باشد. افزون بر این، بیشترین سطح سواد پاسخ‌دهندگان مربوط به سطح لیسانس با فراوانی ۱۶۱ نفر می‌باشد. مضاف بر این، گروه‌بندی حجم نمونه بر اساس خانوار در محدوده مورد مطالعه حاکی از آن است که بیشترین تعداد اعضای خانوارها به خانواده‌هایی با جمعیت ۴ الی ۵ نفر با فراوانی ۱۵۷ نفر اختصاص دارد. علاوه بر این، شغل کشاورزی با فراوانی ۱۶۲ نفر از ۴۰۰ نفر بیشترین نوع فعالیت را به خود اختصاص داده‌است. و نیز در مورد سطوح مختلف درآمدی باید گفت که بیش‌ترین سطح درآمدی افراد مربوط به کمتر از ۳۰۰ هزار تومان در ماه با فراوانی ۲۱۰ نفر است. علاوه بر این، درخصوص محل فعالیت افراد در قالب نهادهای مختلف مردمی در محدوده مورد مطالعه باید گفت که بیشترین فعالیت در پایگاه‌های بسیج مساجد با فراوانی ۲۱۴ نفر می‌باشد و عضویت در شورای اسلامی با فراوانی ۲۲ نفر در اولویت چهارم قرار دارد. مطابق جدول، علت اصلی زندگی در روستا در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد بیشترین تعداد یعنی ۱۹۸ نفر علت زندگی در روستا را علاقه به روستای خود اعلام کردند. در نهایت، مدت زمان زندگی در روستا در محدوده مورد مطالعه حاکی از آن است که بیشترین مدت زندگی در روستا مربوط به ۲۲۸ نفر که مدت زمان زندگی خود را در روستا بیش از ۲۱ سال اعلام کردند.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی

جنسیت	مرد		زن	
	شغل	درآمد	فعالیت	میزان
شغل	کشاورزی	۴۰/۵۰٪	کارمند	۱۶٪
	فرش‌بافی	۱۱/۸۰٪	خانه‌دار و دانشجو	۱۵٪
	سایر (دام‌پروری، مغازه‌دار، کارگر)	۱۶/۸	کمتر از ۳۰۰ هزار	۵۲/۵۰٪
			۳۰۰ هزار الی ۶۰۰ هزار	۲۱/۵۰٪
سن			۶۰۰ هزار الی ۹۰۰ هزار	۱۱/۸۰٪
			بیش از ۹۰۰ هزار	۱۴/۲۰٪
			شورای اسلامی روستا	۵/۵۰٪
			تعاونی روستایی	۶/۸۰٪
میزان			موقوفات و مسجد	۳۴/۳۰٪
			راهنمایی	۱۴/۸۰٪

تحصیلات	دپلم	۳۰٪	پایگاه بسیج	۵۳/۵۰٪
	فوق دپلم	۳۰/۱۳٪	علاقه به روستا	۴۹/۵۰٪
	لیسانس	۴۰/۳۰٪	درآمد کافی در روستا	۸/۸۰٪
	فوق لیسانس	۱/۸۰٪	حضور اقوام در روستا	۳۵٪
بعد خانوار	۲ الی ۳ نفر	۲۲/۸۰٪	سایر	۶/۸۰٪
	۴ الی ۵ نفر	۳۰/۳۹٪	۵ الی ۱۰ سال	۱٪
	۶ الی ۷ نفر	۲۶/۵۰٪	۱۱ الی ۱۵ سال	۱۱/۳۰٪
	۷ و ۸ نفر	۱۰/۵۰٪	۱۶ الی ۲۰	۳۰/۸۰٪
وضعیت تاهل	مرد	۶۸/۵	۲۱ و بیشتر	۵۷٪
	زن	۳۱/۵		

یافته‌های تحلیلی

برای سنجش ظرفیت‌سازی اجتماعی اقدام به طراحی هشت متغیر شده است که نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳. همبستگی بین متغیرهای ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهبود مدیریت توسعه روستایی

ردیف	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	همبستگی	سطح معناداری
۱	آموزش و ترویج	بهبود مدیریت توسعه روستایی	۰/۴۸۴	۰/۰۰۰
۲	اعتماد به نفس		۰/۴۷۵	۰/۰۰۰
۳	کیفیت زندگی		۰/۶۳۸	۰/۰۰۰
۴	انسجام اجتماعی		۰/۶۸۵	۰/۰۰۰
۵	خدمات اجتماعی		۰/۶۴۳	۰/۰۰۰
۶	مهارت‌های فنی و مهارتی		۰/۶۳۹	۰/۰۰۰
۷	تقویت تعاملات		۰/۶۹۱	۰/۰۰۰
۸	تقویت تشکلات مردم		۰/۶۰۵	۰/۰۰۰

همان‌طوری که در جدول (۴) نشان می‌دهد، همبستگی بین متغیرهای ظرفیت‌سازی اجتماعی و مدیریت توسعه روستایی ارائه شده است. که مشاهده می‌گردد رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیرهای آموزش و ترویج ($r=0/484$)، اعتماد به نفس ($r=0/475$)، کیفیت زندگی ($r=0/638$)، انسجام اجتماعی ($r=0/685$)، خدمات اجتماعی ($r=0/643$)، مهارت‌های فنی و مهارتی ($r=0/639$)، تقویت تعاملات ($r=0/691$)، تقویت تشکلات مردمی ($r=0/605$)، با متغیر بهبود مدیریت توسعه روستایی وجود دارد. و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($p=0/000$).

نتایج رگرسیون چند متغیره

در این روش بر اساس بتای استاندارد بدست آمده متغیرهای (انسجام اجتماعی، کیفیت زندگی، خدمات اجتماعی، مهارت‌های فنی و مدیریتی، تعاملات اجتماعی) به ترتیب به عنوان متغیرهایی بودند که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشتند. لذا این متغیرها در مدل نهایی باقی مانده و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند. ضریب تعیین بیان‌گر این است که متغیرهای دیگری نیز در بهبود مدیریت توسعه روستایی تأثیرگذار بوده‌اند که در پژوهش حاضر بررسی نشده است. به منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات بدست آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی رگرسیون چند متغیره در این پژوهش، با معادله زیر می‌توان میزان اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی را با بهبود مدیریت توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه تخمین زد:

$$Y = 5.308 + 3.619(x_1) + 3.949(x_2) + 2.306(x_3) + 3.074(x_4) + 3.020(x_5)$$

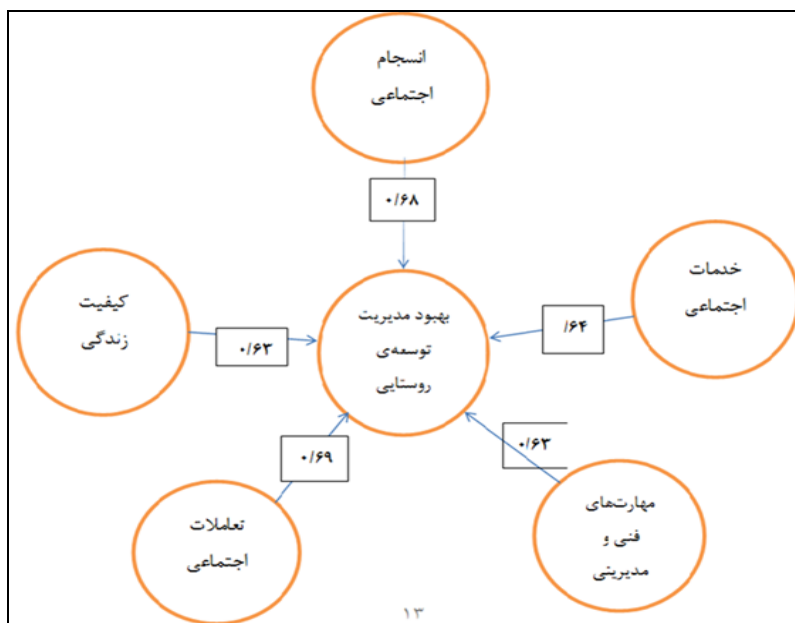
جدول ۴. ضرایب رگرسیون چند مرحله‌ای برای تبیین رابطه ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهبود مدیریت توسعه روستایی

مقدار (P)	مقدار F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین R^2	ضریب رگرسیون	نام متغیر
۰/۰۰۰	۳۶۲/۶۳۱	۰/۴۷۷	۰/۴۷۸	۰/۶۹۱	تعاملات اجتماعی
۰/۰۰۰	۳۵۰/۸۱۵	۰/۴۶۸	۰/۴۷۰	۰/۶۸۵	انسجام اجتماعی
۰/۰۰۰	۲۷۹/۷۴۱	۰/۴۱۲	۰/۴۱۴	۰/۶۴۳	خدمات اجتماعی
۰/۰۰۰	۲۷۲/۶۵۱	۰/۴۰۶	۰/۴۰۸	۰/۶۳۹	مهارت‌های فنی و مدیریتی
۰/۰۰۰	۲۷۱/۹۸۵	۰/۴۰۶	۰/۴۰۷	۰/۶۳۸	کیفیت زندگی

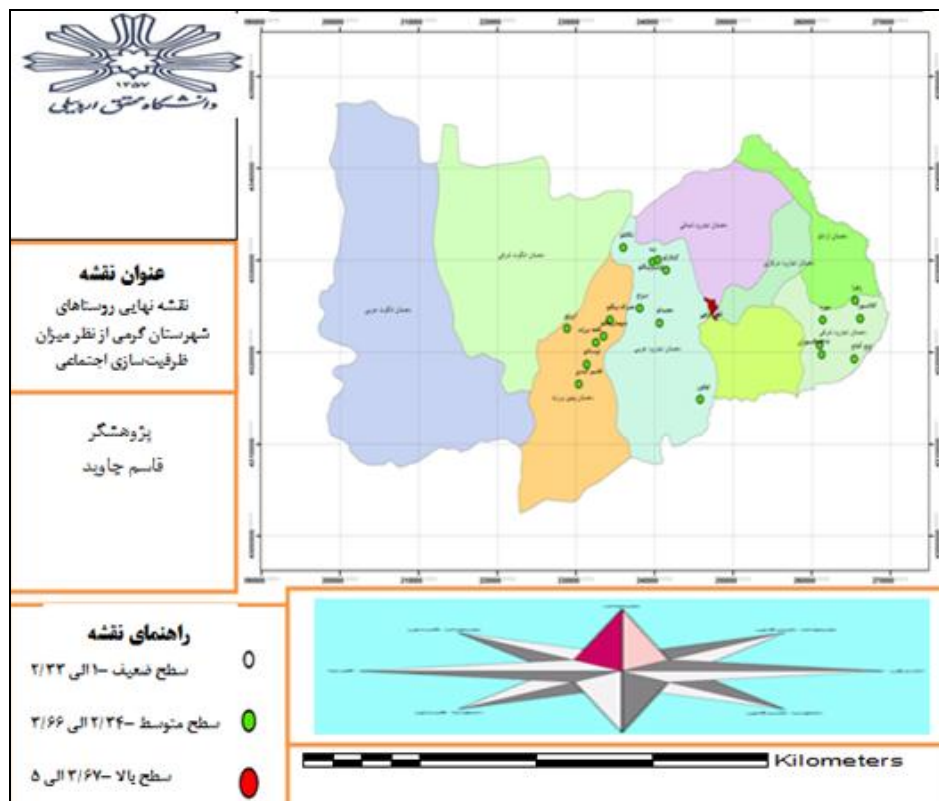
جدول ۵. ضرایب متغیرهای وارد شده در معادله‌ی رگرسیون نهایی برای تبیین رابطه ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهبود مدیریت توسعه روستایی

مقدار (P)	ت محاسبه شده	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای پیش بین
		بتا (B)	خطای معیار	ضریب ورود	
۰/۰۰۰	۳/۷۲۶	-	۱/۴۲۴	۵/۳۰۸	عدد ثابت (عرض از مبدأ)
۰/۰۰۰	۱۸/۷۳۰	۰/۶۸۵	۰/۱۹۳	۳/۶۱۹	انسجام اجتماعی (X۱)
۰/۰۰۰	۱۶/۴۹۲	۰/۶۳۸	۰/۲۳۹	۳/۹۴۹	کیفیت زندگی (X۲)
۰/۰۰۰	۱۶/۷۲۵	۰/۶۴۳	۰/۱۲۸	۲/۳۰۶	خدمات اجتماعی (X۳)
۰/۰۰۰	۱۶/۵۱۲	۰/۶۳۹	۰/۱۸۶	۳/۰۷۴	مهارت‌های فنی و مدیریتی (X۴)
۰/۰۰۰	۱۹/۰۴۳	۰/۶۹۱	۰/۱۵۹	۳/۰۲۰	تعاملات اجتماعی (X۵)

در نهایت، اطلاعات مندرج در جدول (۵) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، سهم و نقش متغیر "تعاملات اجتماعی" در تبیین متغیر وابسته "بهبود مدیریت توسعه روستایی" بیشتر از سایر متغیرها است و متغیرهای انسجام اجتماعی، خدمات اجتماعی، مهارت‌های فنی و مدیریتی، کیفیت زندگی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.



شکل ۲. اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین بهبود مدیریت توسعه روستایی



شکل ۳. روستاهای شهرستان گرمی از نظر میزان ظرفیت‌سازی اجتماعی

توزیع فضایی روستاهای مورد مطالعه از نظر میزان ظرفیت‌سازی اجتماعی در سه سطح ضعیف (۱ الی ۲/۳۳)، سطح متوسط (۲/۳۴ الی ۳/۶۶)، و سطح بالا (۳/۶۷ الی ۵) تقسیم‌بندی شده است. همان‌طور که شکل (۳) نشان می‌دهد، روستاهای مجیدلو (۳/۵۹)، اون بیربیگلو (۳/۵۸)، تکانلو (۳/۵۱)، نصرالله بیگلو (۳/۴۳)، توسانلو (۳/۴۱)، قاسم کندی (۳/۳۹)، بنه (۳/۲۶)، کلانسورا (۳/۲۶)، گیلارلو (۳/۲۶)، دیزج (۳/۲۴)، اوج آجاج (۳/۲۴)، پرمهر (۳/۲۴)، تولون (۳/۱۷)، ارزنق (۳/۱۶)، افسوران (۳/۱۴)، زهرا (۳/۱۰)، مهره (۳/۰۹)، قلعه برزند (۳/۰۸)، شه‌ماریگلو (۳/۰۸) از نظر میزان ظرفیت‌سازی اجتماعی در اولویت اول تا نوزده قرار دارند و از لحاظ میزان ظرفیت‌سازی اجتماعی در سطح متوسط قرار دارند.

نتیجه‌گیری

بیشتر افرادی که در روستاها زندگی می‌کنند به طور مستقیم یا غیرمستقیم به کشاورزی اشتغال دارند، به دلیل ویژگی‌های خاص اقتصاد کشاورزی از یک سو و عدم توجه لازم به این بخش متأسفانه این گروه معمولاً فقیرترین مردم جامعه ما را تشکیل می‌دهند. در عصر ما شرایط به گونه‌ای است که هر نوع فعالیت در جامعه از سازمانی نیاز به یک مدیریت کارآمد دارد تا آن سازمان یا جامعه بتواند ادامه حیات داده و به اهداف عالی خود دست یابد. یک مدیریت روستایی کارا، فکر کردن در محیط را می‌پروراند و عامل تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهای روستایی می‌شود. مدیریت روستایی باید، درک توسعه روستایی، بروز ابتکارها، جمع‌گرایی و مشارکت در امور را آموزش دهد.

با توجه به یافته‌های پژوهش تأثیری که ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه روستایی دارد و از آنجایی که دستیابی به توسعه و از آن جمله دستیابی به توسعه روستایی در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست و از طرفی به دلیل دستیابی به سطح بالای رفاه اجتماعی و اقتصادی لازم است که در جهت دستیابی به این اهداف از تمامی منابع و امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به صورت مطلوب و حساب شده بهره‌بریم و برای تمامی منابع ارزش‌قائل شویم. وقوع این مسئله ریشه‌های متعددی دارد از جمله آن‌ها که به سطوح کلان برنامه‌ریزی برمی‌گردد که وجود نظام برنامه‌ریزی متمرکز ایران می‌باشد این نظام موجب برنامه‌های دستوری است

که به صورت یک طرفه روستا و افراد روستایی ساکن آن را مورد توجه قرار می‌دهد. بدین ترتیب مردم و نیازهای واقعی آن‌ها نه در زمان تهیه و تصویب طرح و نه به هنگام اجرای آن تأثیری بر این‌گونه برنامه‌ها ندارد. از این روست که مطالعه دقیق و تحلیلی اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه روستایی در تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرد. در اینجا است که نقطه شروع و نحوه برخورد با این مسئله (بهبود مدیریت توسعه روستایی) از طریق ظرفیت‌سازی اجتماعی اهمیت می‌یابد لذا می‌توان گفت این مطالعات، برنامه‌ریزی و اجرا با مشارکت مردمی انجام گردد و در بردارنده مزایایی از جمله تسهیل در جمع‌آوری اطلاعات واقعی و دقیق، سرعت در اجرای برنامه، ضریب اطمینان بالا، مناسبت برنامه با محیط و سطح پاسخ‌گویی آن، ضمانت حفظ و نگهداری نتایج و منافع آتی برنامه از سوی مردم باشد. بدین لحاظ است که در این برهه از زمان، اهمیت و لزوم مطالعاتی در جهت یافتن سیاست‌ها و راه‌کارهای مناسب و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای اقدامات مدیریتی در کلیه زمینه‌های توسعه بیش از پیش آشکار گردیده است به عبارتی با توجه به اهمیت مدیریت توسعه روستایی در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی باید با اولویت قراردادن مردم باعث اجرای اصولی و علمی برنامه‌های توسعه روستایی شد.

همان‌طور که بحث شد این مقاله بررسی اثرات ظرفیت‌سازی اجتماعی بر بهبود مدیریت توسعه روستایی شهرستان گرمی مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این ارتباط، یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد که بین متغیرهای متغیرهای آموزشی و ترویجی، اعتماد به نفس، کیفیت زندگی، انسجام اجتماعی، خدمات اجتماعی، مهارت‌های فنی و مدیریتی، تقویت تعاملات اجتماعی و تقویت تشکلات مردمی با بهبود مدیریت توسعه روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های (Smith, 2005)، (Sukidjo et al., 2014) و (Yun, 2014) هم‌خوانی دارد. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق بوسیله رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام نشان داد شش متغیر انسجام اجتماعی، کیفیت زندگی، خدمات اجتماعی، مهارت‌های فنی و مدیریتی، تعاملات اجتماعی بر اساس میزان بتای بدست آمده، به ترتیب به عنوان موثرترین متغیرهای تبیین‌کننده بهبود مدیریت توسعه روستایی معرفی شدند. مقدار ضریب تعیین در گام ششم برای این هشت متغیر ۰/۶۰۱ بدست آمده است. این یافته با نتایج حاصل از (Chen & Turner, 2014) و (Lindstrom, 2003) مطابقت دارد. در نهایت، اطلاعات مندرج در شکل (۲)، نشان داد بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، سهم و نقش متغیر "تعاملات اجتماعی" در تبیین متغیر وابسته "بهبود مدیریت توسعه روستایی" بیش‌تر از سایر متغیرها است و متغیرهای انسجام اجتماعی، خدمات اجتماعی، مهارت‌های فنی و مدیریتی، کیفیت زندگی به ترتیب در اولویت بعدی قرار گرفتند. در پایان باید گفت که بین ظرفیت‌سازی اجتماعی و بهبود شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی رابطه وجود دارد از منظر اقتصادی؛ ظرفیت‌سازی اجتماعی با فراهم‌سازی ابزارهای لازم، قدرت استفاده بهینه از منابع را در روستاییان ایجاد و زمینه را برای ارتقای مهارت‌های ادراکی افراد و تشخیص مشکلات و تعیین اولویت‌های اقتصادی مهیا می‌کند. از بعد نهادی، تقویت ظرفیت‌سازی اجتماعی به بهبود عدالت اجتماعی، ارتقای زمینه مشارکت افراد محلی، هدایت تغییرات اجتماعی، تمرکززدایی، مردم‌سالاری، توزیع قدرت، مداخله روستاییان در فرایند برنامه‌ریزی، رهبری دموکراتیک سکونتگاه‌های روستایی، ارتقای شیوه‌های مداخله در محیط و مدیریت سکونتگاه‌های روستایی و مشارکت در فعالیت‌های رهبری روستایی منتهی می‌شود. از بعد اجتماعی با تقویت ظرفیت‌سازی اجتماعی، دسترسی به نابرابری امکانات تقریباً کم شده و تعادل در محیط حکم‌فرما می‌شود و لذا دسترسی مساوی و برابر به فرصت‌های اجتماعی در مناطق روستایی بیش‌تر شده و متعاقب آن انسجام اجتماعی بهبود یافته و افراد و خانوار روستایی در راستای کار تعاونی و اشتراک مساعی در امورات زندگی و اجتماعی، مخاطرات عظیم ماندن توسعه روستایی را تقلیل می‌دهند. در پایان از منظر بعد محیطی ظرفیت‌سازی اجتماعی باید گفت که با توجه به محدودیت‌ها و پیش‌ران‌های اکولوژیکی و کالبدی و خلق فرصت‌ها باید مقررات و ساختارها را متناسب با تحولات و دگرگونی‌ها باز تعریف نمود و کانون‌های مقاومت را به حاشیه راند. اگر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی فردی و سازمانی انجام گیرد اما ظرفیت‌سازی و توانمندسازی محیطی انجام نگیرد یا به صورت ناقص صورت پذیرد و محیط مساعد نباشد امکان توسعه پایدار روستایی وجود ندارد.

References

- Aref, f., & Redzuan, M.R. (2009). Community leaders, perceptions toward tourism impacts and level of building community capacity in tourism development. *Journal of Sustainable Development*, 2 (3), 200-229.
- Averill, J. (2009). *Keys to the puzzle: Recognizing strengths in a rural community*. Public Health Nursing, 20 (6), 449-455.
- Behzadnasab, J.(2009). Systematic attitude and integrity of rural development on improvement designe. *Jouranl of Jihad*, 1 (95), 32-40. (In Persian)
- Bezy, Kh., & Hedaiati, S. (2010). Chnges of rural management in Iran with emphasizing on Islamci council performance, Case Study: Sistan region. *Journal of Rural and Development*, 3 (2), 105-126. (In Persian)
- Darbane Astanhe, A. (2008). The situation of rural management in Fourth plan. *Journal of Dehiariha*, 1 (5), 14-29. (In Persian)
- Farhadi, S., & Zarhe, Z. (2011). A new attitude on rural management in Chna with goof governance approach. *Journal and Environment and Rural*, 1 (89), 55-63.
- Heidari Sarban, V., & Majnoui, A. (2016). Suervy of educational capacity-building role on villager's participation in civic activities of Bonab County. *Geographical Sciences Appliead Reserches Journal*, 15 (38), 15-35. (In Persian)
- Honadle, G. H.M & Hannah, J. P. (1982). Management Performance for rural development: Packaged training orvcapacitybbuiding. *Public Administion and Development*, 2 (4), 295-307.
- Horton, D. (2002). Planning implementing and evaluating capacity development. (ISNAR) *International Service for National Agricultural Research*, Briefing Paper, 5 (2), 23-50.
- Katherine, S., Campbell, B. S., & Michael B. (2012). *Building Capacity for Youth Development in Rural Areas*. YDI Research Brief.
- McDevitt, M. & Chaffee, S. (2002). From top-down to trickle-up influence: Revisiting assumptions about the family in political socialization. *Political Communication*, 19 (3), 281-301.
- Micheal, F, & Keith, L. (2010). Role of human capital in human development: evidence from aggregate cross- country data. *Journal of Monetary Economics*, 34 (2), 143-173.
- Mirzaei Aharnajani, H., Talaghani, Gh., & Sadabadi, A. (2013). *Development management and rural civic*. The Publication of Azarin Mehr. (In Persian)
- Murray, M., & Dunn, L. (1995). Capacity building for rural development in the United States. *Journal of Rural Studies*, 11 (1), 89-97.
- Nemati, M., & Badri, S.A. (2008). The assessment of functional role pf rural management new systems, adaptive cmparsion of active Dehiari in small village and great, Case Study: Golestan Province. *Jouranl of Geographical Researches*, 39 (59), 161-176. (In Persian)
- Peggy, A. (2003). *Community Capacity Building & Mobilization in Youth Mental Health Promotion*, Health Ministry of Canada.
- Prato, B., Lango, R. (2013). Empowerment of poor rural people through initiatives in agriculture and natural resource management. International Fund for Agricultural Development.
- Rafieian, M., Khodaei, Z., Dadashpour, H. (2014). Capacity-building community as an approach on social institautions empowerment. *Journal of Social Walfare*, 1 (2), 133-160. (In Persian)
- Ranjan Panigrahi, M. (2012). Capacity B uilding of Teachers through Distance Mode Using Teleconferencing as an Innovative Tool. *Turkish Online Journal of Distance Education*, 13 (2), 256-266.
- Ray, C. (2002). Towards a theory of the dialectic of rural development. *Journal of Rural Studies*, 3 (8), 345-362.
- Raymond, C. (2014). A Tool and process that facilitate community capacity building and social learning for natural resource management. *Ecology and Society*, 18 (1), 1- 30.

- Riedenhann, J., & Wickens, E. (2004). Tourism routes as a tool for the economic development of rural areas_ vibrant hope or impossible dream? *Tourism management*, 25 (1), 71-79.
- Roknaldin Eftekhari, A., & Sojasei Ghidari, H. (2010). Regeneration of rural management in iran, the Second National Cnference of Culture and Jihadi management, Tehran: Agriclctural Jihad Ministry, Iran. (In Persian)
- Roknaldin Eftekhari, A., Sojasei Ghidari, H., & Einali, J. (2010). A new attitude on rural management with emphasizig effective institutions. *Journal of Rural and Development*, 10 (2), 1-30. (In Persian)
- Romanow, P., Bruce, D. (2008). Communication & capacity building: exploring clues from the literature for rural community development. *Journal of Rural and Community Development*, 5 (4), 131-154.
- Seidaei, M., Sadeghi, Gh., & Mirzaei Goudarzi, Z. (2012). the situation of manngment on promotion rural development purpose, Case Study: Javanmardi Village, Lordgan County. *The Journal of Regional Planning*, 1 (2), 91-71. (In Persian)
- Singh, N. (2004). Information technology and rural development in India. Paper 563, Development of Economics, University of California, Santa Cruz: 34.
- Taleb,M. (1998). *Rural management in Iran*. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Taleshi, M. (2012). *Rural planning in Iran*. Tehran: the Publication of Iran Rural Development Institution. (In Persian)
- Williams, R., Chong, T., & Wendy. (2012). Capacity-building on civic Projects. *Journal of Environmental Management*, 6 (4), 13- 25.

How to cite this article:

Heidari Sarban, V., & Javid, G. (2019). The ffects social capacity building on improvement of rural management development (Case study: Germe County). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 14(2), 411-426. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_667609_en.html